

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم
از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

فرستنده: ش. حمید

یازدهم اپریل 2013

اشعار برگزیده زنده یاد "داوود سرمد"

(سی)

رنج سفر

دیده ای از گریه ترم آرزوست
تشنه لبم، تشنه لبم، تشنه لب
سوختم از آتش افسردگی
این همه دلتنگی از آسودگی ست
طبع دلم نیست چو راحتپذیر
همره بی سوز چه کار آیدم؟
تا شود آماج خدنگ بلا
تا که ز بندش ننمایم دریغ
تا ز نم آتش قفس سرد خویش
تا که ز نم شعله به جان سکوت
تا بپرد پورده ز اسرار شب
تا شوکم ناب و غل، از هم تمیز
نیم نگاهی که زند آتشم
می بردم راه به سرمنزلی
ریزش موج گهرم آرزوست
ساغر خون جگرم آرزوست
سوزش رنگ دگرم آرزوست
لذت رنج سفرم آرزوست
مهلکه های خطر آرزوست
سوخته جان، همسفرم آرزوست
سینه ای همچون سپرم آرزوست
جان ز خود بیخبرم آرزوست
بال و پری از شررم آرزوست
نال آتش اترم آرزوست
روشنی پرده درم آرزوست
بیش صاحب نظرم آرزوست
زان نگه فتنه گرم آرزوست
دردش از این رهگذرم، آرزوست

شمعِ زبانم شده آتشِ نفس گرمی بزمِ هنرم آرزوست
میزنم آئینه دل را به سنگ کارگه شیشه گرم آرزوست
گفتم اگر شایقِ دردِ دلی در ره تو ترکِ سرم آرزوست
گفت: گر احساسِ تو میرنده نیست
"سرمد" بی پا و سرم آرزوست